



اثربخشی مداخله مبتنی بر تغییر ادراک از ساختار قدرت در خانواده بر نگرش به مردسالاری و شفقت خود در زنان قربانی خشونت خانگی: یک مطالعه موردی خط پایه

فاطمه بدخش*^۱، یاسر رضاپور میرصالح^۲، آزاده چوب فروش زاده^۳

چکیده

عوامل زیادی بر بروز خشونت خانگی و پذیرش آن در زنان تأثیر دارند. یکی از این عوامل، ادراک نادرست زنان از ساختار قدرت در خانواده هست. هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر مداخله مبتنی بر تغییر ادراک از ساختار قدرت خانواده بر نگرش به مردسالاری و شفقت خود در زنان قربانی خشونت خانگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل تمامی زنان قربانی خشونت خانگی شهر یزد در سال ۱۳۹۹ بودند. براساس طرح پژوهش مطالعه تک موردی، ۲ نفر از زنان قربانی خشونت با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و برنامه مداخله‌ای مبتنی بر تغییر ادراک زنان قربانی خشونت از ساختار خانواده به شرکت‌کنندگان در ۸ جلسه ارائه شد. در این پژوهش از مقیاس خشونت خانگی محسنی تبریزی (۱۳۹۱) و شفقت خود نف (b2003) طی مراحل خط پایه، درمان و پیگیری، برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. تحلیل داده‌ها با کمک روش تحلیل نموداری، شاخص تغییر پایا و درصد بهبودی انجام شد. شاخص تغییر پایا و روند تغییر نمرات نشان داد با ادامه یافتن جلسات مداخله، نگرش به مردسالاری و شفقت خود در زنان به ترتیب کاهش و افزایش یافته بود و این تغییر نمرات بعد از پیگیری یک ماهه نیز حفظ شده بود. باتوجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت برنامه مداخله‌ای مبتنی بر تغییر ادراک زنان قربانی خشونت از ساختار قدرت در خانواده می‌تواند منجر به تغییر باورهای سنتی و غلط مردسالارانه زنان قربانی خشونت شود و شفقت خود در آن‌ها را تقویت کند.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

واژگان کلیدی

ساختار قدرت در خانواده، نگرش مردسالارانه، شفقت خود، زنان قربانی خشونت

ارجاع به مقاله:

بدخش، فاطمه؛ رضاپور میرصالح، یاسر؛ چوب فروش زاده، آزاده (۱۴۰۱). اثربخشی مداخله مبتنی بر تغییر ادراک از ساختار قدرت در خانواده بر نگرش به مردسالاری و شفقت خود در زنان قربانی خشونت خانگی: یک مطالعه موردی خط پایه. مطالعات زن و خانواده، ۱۰(۴)، ۳۷-۲۰. DOI 10.22051/jwfs.2023.39583.2833

۱. کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

۲. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

مقدمه

سازمان ملل متحد (۱۹۹۳) خشونت علیه زنان را هرگونه عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت که موجب آسیب یا احتمال آسیب فیزیکی، جنسی یا روانی زنان شود، تعریف می‌کند حتی تهدید به چنین اقداماتی که به وقوع اجبار یا محرومیت خودسرانه از آزادی، چه در زندگی عمومی و چه در زندگی خصوصی منتج شود را نیز خشونت تعبیر می‌کنند. معمولاً واکنش قربانیان در برابر خشونت، بکارگیری روش‌های مقابله‌ای نابهنجار^۱ (یعنی تسلیم شدن، سرزنش خود) است. که این می‌تواند شدت و مدت زمان پریشان حالی آن‌ها را افزایش دهد (بومن^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). خشونت علیه زنان مستقیم با فرهنگ و نگرش مردسالارانه موجود جامعه در ارتباط است به‌گونه‌ای که بسیاری به غلط تصور می‌کنند توزیع قدرت در خانواده سالم به پدر یا شوهر برمی‌گردد؛ در این فرهنگ‌ها مرد رئیس خانواده محسوب می‌شود و رفتار با زنان به‌گونه‌ای است که جنس ضعیف شمرده می‌شوند، این رفتارهای تحقیرآمیز با جنس زن سبب می‌شود تا او این نگرش مردسالارانه را درونی کند.

این درحالی است که از نظر مینوچین^۲ (۱۹۸۱) خانواده کارآمد، خانواده‌ای است که سلسله‌مراتب دارد و هریک از اعضای خانواده از قدرتی متفاوت برخوردارند و مکمل یکدیگر هستند. براساس خانواده درمانی ساختاری، قدرت هم به اختیار (کسی که تصمیم می‌گیرد) و هم به مسئولیت (کسی که تصمیمات را اجرا می‌کند) اشاره دارد. قدرت وابسته به شرایط و موقعیت تغییر می‌کند و به ندرت حالت مطلق دارد (گلدنبرگ^۳ و گلدنبرگ، ۱۳۹۶)، اما برخی از زنان در جوامع سنتی معتقدند که قدرت در خانواده در انحصار مردان است و زنان بر اثر سلطه نگرش مردسالارانه و باورهای غلط چنان اجتماعی شده‌اند که بخش عمده‌ای از آزار و اذیت همسران خود را توجیه می‌کنند. در همین راستا، آنتای^۴ (۲۰۱۱) در پژوهش خود نشان داد زنانی که ضرب و شتم همسر خود را موجه می‌دانستند. بیشتر در معرض خشونت جسمی و جنسی بودند. در مقابل، زنانی که دارای استقلال در تصمیم‌گیری بودند، به احتمال کمتری خشونت جسمی و جنسی را تجربه می‌کردند.

باتوجه به آنچه گفته شد؛ چیزی که اهمیت پرداختن به این موضوع را جدی‌تر می‌کند آن است که خشونت علیه زنان بازتابی از یک جامعه مردسالار است. جامعه‌ای که افراد آن از جمله خود زنان اقتدار و سلطه مردان بر زنان را پذیرفته‌اند. به همین منظور در این پژوهش با طراحی یک برنامه مداخله‌ای سعی بر آن شد است تا باورهای زنان نسبت به ساختار قدرت در خانواده تغییر داده شود و با تغییر نگرش نادرست در زنان به آن‌ها در احقاق حقوق خود در خانواده کمک شود.

1. Bauman

2. Minuchin

3. Goldenberg

4. Antai



روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعه تجربی تک موردی بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان قربانی خشونت همسر مراجعه کننده به سازمان بهزیستی شهریزد (ایران)، در سال ۱۳۹۹ بودند. از جامعه آماری، دونفر به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. هردو شرکت‌کننده همزمان وارد مرحله خط پایه شدند. شرکت‌کنندگان در سه مرحله خط پایه مورد ارزیابی قرار گرفتند. پروتکل مداخله در ۸ جلسه ۸۰ دقیقه‌ای اجرا شد. شرکت‌کنندگان در مرحله مداخله در جلسات دوم، چهارم، ششم و هشتم در چهار نوبت ارزیابی شدند. در نهایت یک هفته و یک ماه پس از پایان مداخله، شرکت‌کنندگان در مرحله پیگیری مجدد ارزیابی شدند. داده‌ها با استفاده از تحلیل نموداری، درصد بهبودی و شاخص تغییر پایا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. داده‌ها با کمک پرسشنامه‌های زیر گردآوری شد:

پرسشنامه خشونت خانگی علیه زنان: این پرسشنامه توسط محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۹۱) با هدف سنجش میزان خشونت در زنان ساخته شده است. در این مطالعه نیز آلفای کرونباخ بدست آمده ۰/۸۳ است.

پرسشنامه شفقت به خود: این پرسشنامه که توسط نف در سال (۲۰۰۳) ساخته شده است. که شامل ۲۶ گویه و ۶ مولفه مهربانی با خود، قضاوت نسبت به خود، احساسات مشترک انسانی، انزوا، بهشیاری یا ذهن‌آگاهی و همانندسازی افراطی است. روایی و پایایی نسخه فارسی این مقیاس تایید شده است (خسروی و همکاران، ۱۳۹۲). در این پژوهش پایایی از طریق روش بازآزمایی در بین ۱۰ نفر از زنان قربانی خشونت خانگی در بازه زمانی ۲ هفته صورت گرفت که همبستگی ۰/۸۸ و انحراف معیار ۱۲/۵۶ بدست آمد.

یافته‌ها

هر دو آزمودنی زنان قربانی خشونت خانگی بودند و سن هر دو آزمودنی ۳۰ سال، دارای مدرک دیپلم و خانه‌دار و دارای یک فرزند بودند. هر دو آزمودنی بیش از ۱۰ سال از زندگی مشترکشان می‌گذشت. در جدول ۱، روند تغییرنمرات هر دو شرکت‌کننده پژوهش در مرحله خطپایه، مداخله و پیگیری در ادراک زنان قربانی خشونت نسبت به نگرش مردسالارانه و شفقت به خود آورده شده است. هم برای شفقت خود و هم برای نگرش مردسالارانه، شاخص تغییر پایا با محاسبه تفاوت میانگین خط پایه و جلسه آخر درمان در هر دو آزمودنی بالاتر ۱/۹۶ است که نشان می‌دهد مداخله مبتنی بر تغییر ادراک از ساختار قدرت در خانواده تأثیر معناداری بر روی بهبود نگرش مردسالارانه و شفقت خود زنان قربانی خشونت دارد تغییر نمرات در مرحله پیگیری نیز تقریباً ثابت مانده است که نشان می‌دهد تأثیر مداخله در مرحله پیگیری ثابت بوده است.

جدول ۱. درصد بهبودی و شاخص تغییر پایا مبتنی بر تغییر ادراک زنان قربانی خشونت

شفقت خود		ادراک زنان قربانی خشونت		مراحل آزمون
آزمودنی دوم	آزمودنی اول	آزمودنی دوم	آزمودنی اول	
۷۴	۶۷	۶۹	۶۷	خط پایه اول
۷۳	۷۰	۵۶	۵۰	خط پایه دوم
۸۰	۷۳	۵۶	۴۹	خط پایه سوم
۷۵/۶۶	۷۰	۶۰/۳۳	۵۵/۳۳	میانگین خط پایه
۹۵	۷۴	۳۱	۴۵	جلسه دوم
۹۶	۷۶	۲۶	۴۳	جلسه چهارم
۹۶	۸۰	۲۴	۴۲	جلسه ششم
۹۶	۸۵	۱۱	۴۰	جلسه هشتم
۳/۳۷	۲/۴۸	-۸/۰۴	-۲/۵۰	شاخص تغییر پایا
۲۶/۸۸	۲۱/۴۲	-۸۱/۷۶	-۲۷/۷۰	درصد بهبودی
۲۴/۱		-۵۴/۷۳		درصد بهبودی کلی
۱۰۸	۸۰	۲	۳۶	پیگیری اول
۱۱۰	۸۲	۴	۳۸	پیگیری دوم
۱۰۹	۸۱	۳	۳۷	میانگین پیگیری
۵/۵۲	۱/۸۲	-۹/۳۵	-۲/۹۹	شاخص تغییر پایا
۴۴/۰۶	۱۵/۷۱	-۹۴/۵۷	-۳۳/۱۲	درصد بهبودی
۲۹/۸۸		-۶۳/۸۴		درصد بهبودی کلی

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد که مداخله مبتنی بر تغییر ادراک از ساختار قدرت در خانواده به کاهش نگرش مردسالارانه و افزایش شفقت خود در زنان قربانی خشونت خانگی منجر می‌شود. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های حیدری‌نژاد و نواح (۱۳۹۷)، حاج یحیی (۲۰۰۳) و مدهانی و همکاران (۲۰۱۷) همسو بود. از یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که مداخله مبتنی بر تغییر ادراک از ساختار قدرت خانواده می‌تواند باورهای غلط سنتی و مردسالارانه زنان قربانی خشونت خانگی را تغییر دهد و شفقت خود را بهبود بخشد. این مداخله با افزایش آگاهی زنان از برابری حقوق زن و مرد و به چالش کشیدن افکار و نگرش‌های نادرست مردسالارانه آنان، باعث می‌شود زنان خشونت همسران خود را توجیه نکنند، با حقوق و وظایف خود آشنا شوند و احساس ضعف و سستی در آن‌ها کاهش یابد.

در راستای نتایج بدست آمده پیشنهاد می‌شود، برنامه مداخله طراحی شده برای دیگر اقشار جامعه به‌ویژه مردان در جهت نهادینه کردن فرهنگ برابری و مقابله با هنجارهای جنسیتی و نگرش غلط مردسالارانه آموزش داده شود. موضوع پژوهش حاضر را در سطح وسیع‌تری با حجم نمونه بیشتری در شهر یزد انجام دهند و همچنین با توجه به تفاوت فرهنگی هر منطقه توصیه می‌شود پژوهش مشابهی در دیگر مناطق صورت گیرد تا بر صحت و سقم نتایج و یافته‌های بدست آمده افزوده شود.



ملاحظات اخلاقی در پژوهش

رعایت اخلاق پژوهش: مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است. به منظور رعایت اصول اخلاقی به کلیه شرکت کنندگان پژوهش حاضر، اطلاعات کافی در مورد موضوع و هدف از پژوهش داده شد تا با رضایت کامل و آگاهانه در پژوهش شرکت کنند. همچنین به افراد اطمینان داده شد که داده‌های آن‌ها محرمانه است و به منظور حفظ حریم شخصی شرکت کنندگان، نام و نام خانوادگی آن‌ها ثبت نشد.

حمایت مالی: مطالعه حاضر تحت هیچ‌گونه حمایت مالی نبوده است.

مشارکت نویسندگان: نویسنده اول فاطمه بدخش دانشجو و نویسنده مسئول یاسر رضاپور میر صالح استاد راهنمای پایان نامه و نویسنده سوم آزاده چوب‌فروش زاده استاد مشاور در پایان نامه بودند.

تضاد منافع: هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

قدردانی: بدین وسیله از کلیه زنان مصاحبه‌شونده که وقت خود را در اختیار پژوهشگران این پژوهش قرار دادند، تشکر می‌کنیم.

منابع فارسی

- حیدری نژاد، سارا و نواح، علیرضا. (۱۳۹۷). شناسایی عوامل مؤثر در خشونت علیه زنان شهر اهواز. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، ۹(۴)، ۱۵۱-۱۳۳. [لینک]
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ کلدی، علیرضا و جوادیان زاده، مهدیه. (۱۳۹۱). بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز پزشکی قانونی و بهزیستی شهرستان در سال ۱۳۸۹. فصلنامه طلوع بهداشت، ۱۱(۳)، ۱۱-۲۴. [لینک]
- خسروی، صدالله؛ صادقی، مجید و یابنده، محمدرضا. (۱۳۹۲). کفایت روانسنجی مقیاس شفقت خود SCS. فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روانشناختی، ۳(۱۳)، ۴۷-۵۹. [لینک]

References

- Khosravi, S., Sadeghi M., & Yabandeh M.R. (2013). Psychometric Properties of Self-Compassion Scale(SCS). JOURNAL OF PSYCHOLOGICAL MODELS AND METHODS , 4(13), 47-59. [Text in Persian] [Link]
- Antai, D. (2011). Controlling behavior, power relations within intimate relationships and intimate partner physical and sexual violence against women in Nigeria. *BMC public health*, 11(1), 1-11. <https://doi.org/10.1186/1471-2458-11-511> [Link]
- Bauman, E., Haaga, D., & Dutton, M. A. (2008). Coping with Intimate Partner Violence (IPV): Battered women's use and perceived helpfulness of emotion-focused coping strategies. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*, 17(1), 23-41. <https://doi.org/10.1080/10926770802250942> [Link]
- Goldenberg, I., & Coldenberg, H. (1996). Family therapy. (Translators: Hamidreza Hosseinsahi Baravati et al).

- Tehran: Ravan Publicatoins.(1934).
[Text in Persian][Link]
- Haj-Yahia, M. M. (2003). Beliefs about wife beating among Arab men from Israel: The influence of their patriarchal ideology. *Journal of Family Violence, 18*(4), 193-206. [Link]
- Heydari Nejad, S., Navah, A.(2019). Identification of Factors Affecting Violence at Women in Ahvaz City. *Quarterly Journal of Women and Society, 9*(36), 133-152. [Text in Persian] [Link]
- Madhani, F. I., Karmaliani, R., Patel, C., Bann, C. M., McClure, E. M., Pasha, O., & Goldenberg, R. L. (2017). Women's perceptions and experiences of domestic violence: An observational study from Hyderabad, Pakistan. *Journal of interpersonal violence, 32*(1), 76-100.
<https://doi.org/10.1177/0886260515585533> [Link]
- Minuchin, S. (1981). *Family therapy techniques*. Cambridge, MA: Harvard University Press. [Link]
- Mohseni Tabrizi, A. R., Kaldi, A. R., & Javadianzadeh, M.(2012). The Study of Domestic Violence in Marrid Women Addmitted to Yazd Legal Medicine Organization and Welfare Organization. *Journal of Toloo-e-behdasht, 11* (3), 11-24. [Text in Persian] [Link]
- Neff, K.(2003b). The development and validation of a scale to measure self-compassion. *Journal of Self and Identity, 2*(3), 223–250. <https://doi.org/10.1080/15298860309027>. [Link]
- United Nations. Declaration on the elimination of violence against women. (1993). New York: UN. Available at: <https://www.un.org/en/>. [Link]



© 2023 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license)